

کلمات مترادف

سُمار : قرار

داگر : عادل

بجست : جست و جوگر

داور : مافی

سپاس می گزارد : ... میزورانی ...

خان : ... میزورانی ...

اهریمنی : شیطانی

شماری : تعدادی

پیکار : ... جنگ ...

قوی پنجه : ... میزورانی ...

از هم می درد : پاره می کند

می یابد : ... میزورانی ...

تیمار : ... میزورانی ...

نخجیر : شکار

بدین سان : ... میزورانی ...

فرجام : پایان، آخر کار

کوفتن : ... میزورانی ...

دیده : چشم

پر خاش : ... میزورانی ...

می نمایاند : نشان می دهد

به تنگ می آید : ... میزورانی ...

خروشید : غرید ، مزاد زرد ، سیه سید

بر کند : ... میزورانی ...

چاک چاک : پاره پاره

نبرد : ... میزورانی ...

سهمگین : ترسناک، خوفناک

تیغ : شمشیر

بر : سینه ، تن ، بدن

چیرگی : مسلط شدن، غالب شدن

چیره : ... میزورانی ...

جادو : جادوگر

خم کمند : پیچ و تاب طناب

میان : کمر

زو : از او

نمزد : طناب ، رسیان ، بند
خوسید : فرار زرد
نخجیر : سلاخ
جوسید : هجان زرد مهر
بند : طناب ، رسیان ، اسارت
حیکه گرس : بد رفتاری ، بد چینی
سیارون : پادشاه نادر

علوی

بیم : بریل
از پای در می آورد : نابود می کند
برانگیخت : برآورد
بدو : به او
آذر گشسب : آتش برآورد
رخش : اسب رستم ، سرخ و سفید مخلوط شده (اسب رستم دارای سکه های سرخ ، سفید و زرد ، روی پوستش بود.)

کلمات متضاد

پروزی ≠ شکست
پیکار ≠ صلح
کلمات هم خانواده
خاکر ≠ ظالم
فرجام ≠ آغاز

حمله ، حامل ، محموله ، احتمال ، حمال ، حامله
مرحله ، مراحل ، رحلت ، رَحَل
خطرناک ، مخاطره ، خَطَر ، اِخطار
نجات ، ناجی ، مُنجی
عاقبت ، عقب ، تعقیب ، عقوبت
قوی ، مقاوم ، مقوی ، مقاومت
اطمینان ، مطمئن ، مطمئناً
حیات ، محیط ، احاطه ، محوطه

خشم : خشمگین ، خشمناک
موقعیت : موقع ، مواقع
قصر : معطر ، مطهر

هفت خان رستم

هفت خان، نام هفت مرحله از نبردهای رستم با نیروهای اهریمنی و گذشتن از دشواری هاست. در این نبردها، رستم به کمک اسب خود، رخس با شیر و اژدها پیکار می کند. او در خان اول با شیری قوی پنجم، در خان دوم با بیابانی سخت، در خان سوم با اژدها، در خان چهارم با جادوگر، در خان پنجم با اولاد، در خان ششم با ارزشمند دیو و بالاخره در خان هفتم با دیو سپید روبه رو می شود. او همی این خان ها را با موفقیت پشت سر گذاشته و یکا ووس و همراهانش را از بند دیوان نجات می دهد.

